

جا شایسته است یادی بکنیم از هزاران انسان کمونیست و آزاده و بسیاری از رفقای عزیزمان که در مبارزه بی‌وقفه بر ضد جمهوری اسلامی جانباختند. در آغاز سال نو به خانواده و بستگان جانباختگان راه آزادی و کمونیسم اطمینان خاطر میدهم که راهشان را تداوم می‌بخشیم.

مردم آزادیخواه، کارگران، زنان، جوانان!

به خوبی آگاهید که جامعه ایران تحولات اساسی را از سر می‌گذراند. پایان عمر جمهوری اسلامی نزدیک است. سؤال اینست که ما مردم آزادیخواه چه می‌خواهیم؟ و به جای این رژیم چه نظام سیاسی را مستقر می‌کنیم؟ بویژه تجربه انقلاب

صفحه ۲

و احیای امید توده مردم به سرنوشتی جمهوری اسلامی و پایان دادن به عمر این رژیم منحوس بود. سال گذشته، سال ضعیف و ضعیف‌تر شدن جمهوری اسلامی و به میدان آمدن نیروی اعتراض رادیکال و به صحنه آمدن هرچه آشکارتر کمونیستها و حزب کمونیست کارگری پیشاپیش مبارزه برای سرنوشتی جمهوری اسلامی بود. به سخنی دیگر، سال گذشته، دوره نیرومندتر شدن مبارزه نیروی حقیقی و آزادیخواه و جریان کمونیستی علیه جمهوری اسلامی بود. مراسمهای باشکوه ۸ مارس (روز جهانی زن) نمونه روشن قدرتمند بودن جنبش برابری طلبانه و کمونیستی در جامعه بود که مهر بیش از دو دهه فعالیت کمونیستی را بر خود دارد. همین

آنها حین درگیری با نیروهای جمهوری اسلامی که بوسیله سد دربندیخان ایجاد شده بود و قرار گرفتن آنها در میان جبهه جنگ ایران و عراق که همزمان بود با جنایت رژیم فاشیست بعث و بمباران شیمیایی حلبچه و بهمین دلیل مسمومیت تعدادی از رفقا، ما را در شرایطی سختتری قرار میداد. بعد از این همه سال این اولین بار است که دارم در مورد این واقعه دردناک دست به قلم میبرم زیرا این واقعه چنان تکان دهنده و ناراحت کننده بود، که نوشتن در مورد آن به معنی قرار گرفتن دوباره در بطن آن ماجرا بود که تحمل آن را نداشتیم. و اگر مطالب یا گفته ای در این مورد را هم میشنیدم سعی میکردم که از کنار آن بگذرم. نه تنها این بلکه حتی در خلوت خودم آلبوم عکسهای این رفقای نزدیک را شاید سال به سال هم نگاه نمیکنم زیرا نگاه کردن آن و تاثیرات عمیق عاطفی آن تحملش بسیار سخت است.

صفحه ۳

پیام رحمان حسین زاده (دبیر کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران) به مناسبت نوروز و سال نو

ته دل علاقمند بودیم، به دور از حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی در جشن و شادی سال نو در کنار شما میبودیم. اکنون هم ما را مهمان سفره جشن سال نو خود بدانید. سال دیگری را پشت سر نهادیم. این حقیقتی است که در سایه حاکمیت سیاه و جنایتکارانه اسلامی، شرایط ناهموار زندگی و محروم بودن از ابتداییترین حقوق اجتماعی، سیاسی و اقتصادی برای توده وسیع مردم ادامه داشته است. اما یکسال گذشته در عین حال سال امیدواری



مردم آزادیخواه کردستان!
سال نو و جشن نوروز را صمیمانه تبریک میگویم. من و بسیاری از رفقایم از حزب کمونیست کارگری ایران، از

پرترازی از مراسم نوروز و روبروئی مردم و رژیم در شهرهای کردستان

صفحه ۲

بمباران شیمیائی حلبچه در سال ۱۹۹۸

صفحه ۴

به یاد جانباختگان گردان شوان

کردستان بود به شوکی معروف بود). حرف بزن و چیزی بگو چه خبر است؟ سکوت است و منظره کوههایی که غمگین تر از قبل به من نگاه میکنند. هنوز امیدم را کاملاً از دست نداده ام و شروع میکنم به تماس گرفتن اما از آنسوی خط نه صدایی می شنوم و نه حتی همهمه ای. فقط از دور آتش شلیک توپ و آربی جی قابل رویت است. با درد و غم به اردوگاه بر میگردم گردان شوان ضربه خورده و ابعاد این ضربه به چند کشته و زخمی محدود نیست یک گردان بزرگ از پیشمرگان کومه له یک گردان سرشناس و محبوب در اثر این ضربه از بین میرود، و در آخرین لحظات حتی فرمانده گردان که جسوری و درایتش، زبانزد بود، صدایش قطع میشود.

تحلیل و بررسی علت این واقعه دردناک و این تراژدی انسانی احتیاج به گذشت یک دوره طولانی داشت. چرا که نفس این اتفاق و از بین رفتن دهها انسان رزمنده



محمد آسگران

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



سرمدبیر: ایرج فرزاد
iraj_farzad@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۵۵۵۰۸۵
فاکس: 00448701687574

آدرس:

K.F.K.S
Box 15203
104 65 Stockholm

پست گيرو: ۱۶۷۸۴۷۱-۲

رادیو انترناسیونال

هر شب

۹ تا ۹ و ۴۵ دقیقه

بوقت تهران

طول موج

۴۱ متر برابر با

۷۵۲۰ کیلوهرتز

تلفن:

۰۰۴۴ ۷۷۱ ۴۶۱ ۱۰۹۹
اطلاعات و پیامگیر رادیو:

۰۰۴۴۲۰۸۹۶۲۲۷۰۷

روزهای یکشنبه

نیم ساعت به

زبان کردی

رپرتاژی از مراسم چهارشنبه سوری و نوروز در شهرهای کردستان

*** مناسبت نوروز به صحنه ابراز خشم عمومی مردم علیه جمهوری اسلامی تبدیل شد**
*** صحنه های خیزش مردم و رویارویی با نیروهای رژیم**
*** در میوان ماموران و مقامات رژیم، محلهای استقرار و مسکن خود را در وحشت از مردم، ترک کردند.**
*** در چند مورد مردم با سوزاندن پارچه های سیاه و پرچمهای سیاه عزاداری تنفر خود را از پوشش اسلامی و مراسمهای مذهبی اعلام کردند. در تقابل با هشدار و التماس سران رژیم، مردم به شادی و رقص و پایکوبی پرداختند.**

در شهرهای مریوان، سنندج، سردشت، مهاباد، بوکان، اشنویه، سقز، نقده، کامیاران، پیرانشهر و پاوه مردم علیرغم هشدار قبلی رژیم برای رعایت روزهای عزاداری محرم دسته دسته راهی خیابانها و کوچه ها و معابر و مناطق اطراف و کوه های دور شدند و به با رقص و شادی و سردادن شعار پرداختند.
 در مریوان حاکم کردن فضای نظامی بر شهر و تهدیدات نیروی انتظامی و اخطار آنها به گردانندگان جشنهای سال نو در

مریوان هم موثر نیفتاد. هزاران نفر در خیابانها و میدانی عمومی شهر تجمع کرده و جشن و مراسم به مناسبت سال نو در مریوان شروع شد. در محلهای مختلف آتشهای بزرگی روشن شد تجمع گسترده مردم به اعتراض علیه جمهوری اسلامی تبدیل شده و عملا حالت یک خیزش گسترده علیه مزدوران جمهوری اسلامی را در مریوان به خود گرفت. شیشه های اکثر بانکها شکسته شدند. رژیم اسلامی نیروی وسیعی برای مقابله با مردم گسیل داشت. در خیابان وصال ۷۰۰ نفر از نیروهای نظامی با مردم درگیر شدند. در محله دارسیران جوانان جاده ها را با آتش زدن لاستیک و سد معبر بر روی نیروهای نظامی رژیم بسته و شعار زنده باد حزب کمونیست کارگری و شعارهایی علیه جمهوری اسلامی را سر داده اند.

در منطقه دارسیران بعد از اینکه خودروهای نظامی نتوانستند وارد این منطقه شوند، نیروهای پیاده نظام رژیم به طرف منطقه و خیابان دارسیران حرکت کردند، که با تعرض متقابل مردم روبرو شدند. در یک اقدام عمومی زن و مرد و کوچک و بزرگ و بویژه جوانان با پاره سنگ و چوب حمله نیروهای پیاده نظام رژیم را در هم شکسته و آنان را تا فلکه فرمانداری وادار به عقب نشینی نمودند. مردم محله و جوانان با روحیای بالا شعارهای مرگ بر جمهوری اسلامی و زنده باد حزب کمونیست کارگری سر داده و از پیام تبریک به مناسبت سال نو از جانب عبدالله دارابی و صالح سرداری، چهره های سرشناس و محبوب مردم و اعضای دفتر سیاسی حزب

کمونیست کارگری به گرمی استقبال کردند. در اقدام دیگری جمعی از جوانان شهر به منزل فرمانده نیروهای انتظامی و منزل قاضی شهر مریوان حمله کردند. مقامات اداری و نظامی رژیم از ترس مردم، منازل خود را تخلیه و به پایگاههای نظامی پناه بردند. در سنندج جوانان خیابانها را بسته بودند و نیروهای انتظامی در چند نقطه تلاش کردند که این مراسمها را به هم بزنند که با اعتراض مردم روبرو میشوند. ساعت حدود ۸ شب مردم و خصوصا جوانان دختر و پسر در محلات آغازمان، فرح و زورآباد در حال رقص و پریدن روی آتش بودند که نیروهای انتظامی به قصد بهم زدن این تجمعات میخواستند به آنان حمله کنند که جوانان آنان را هو کرده و اجازه دخالت را به مزدوران نمی دهند. نیروهای انتظامی مجبور به عقب نشینی شده و مراسم تا پاسی از شب ادامه داشته است. جمعیت وسیعی از مردم و بویژه جوانان در دامنه آبدیر، امانیه و ظفریه آتش روشن کردند و به شادی و رقص و پایکوبی دست زدند و چهارشنبه سوری و نوروز را جشن گرفتند. با وجودی که رژیم از چند روز قبل شهر را به حالت حکومت نظامی در آورده بود و ۲۰ اتوبوس دیگر نیروی انتظامی از شهرهای دیگر وارد سنندج کرد تا در پلهای شهر و میدانهای اصلی و محلات نیرو مستقر کند اما، مردم وسیعا به سرور و شادی پرداختند. در بلوار خسرو آباد تا پاسی از

شب رقص و پایکوبی بود. نیروی انتظامی با فشرفه و ترقه مورد حمله قرار گرفته و جرات بیرون آمدن نداشتند. در محله چهار باغ ماموران که قصد دخالت داشتند مورد حمله و هو کردن شرکت کنندگان در مراسم قرار گرفته و در کمتر از ۵ دقیقه نیروهای سرکوبگر عقب نشستند، در جلوی خانقاه مردم با نیروهای انتظامی درگیری می شوند در جریان این درگیری ۳ نفر دستگیر شده که توسط مردم دستگیر شدگان از چنگ مزدوران رژیم آزاد میشوند. جلوی سازمان آب کردستان زنان مردان با مامورین درگیری می شوند و با سنگ و فشرفه مامورین را از منطقه فراری داده و به جشنهای خود ادامه می دهند. در آغوش زمان مردم با شعار دادن علیه مزدوران و خواندن آهنگهای انقلابی اجازه ورود آنها را به محله نمی دهند. با وجود بارندگی شدید، هزاران نفر از جوانان و مردم شهر در خیابانها و اماکن عمومی و محلات تجمع کردند و سال نو را جشن گرفتند. در میدان اقبال تعدادی پاسدار برای مردم مزاحمت ایجاد میکنند، مردم یکی از آنها را کتک کاری کرده و بقیه فراری داده میشوند. در خیابان ششم بهمین مزدوران به تجمع مردم حمله میکنند که با عکس العمل متقابل مردم شکست داده میشوند. در دامنه آبدیر هم درگیری با نیروهای رژیم اتفاق می افتد.

در شهر بوکان هزاران نفر در این روز به خیابانها ریخته و ضمن روشن کردن آتش و ترقه در کردن و شادی، شعار آزادی

ملی و به استثمار انسان به دست انسان پایان داده میشود. حزب کمونیست کارگری برای سازمان دادن و بنیاد گذاشتن چنین حکومتی همچنانکه شاهدید، پیگیرانه میکوشد. در بطن تحولات کنونی ایران فرصت تاریخی فراهم شده که یکبار برای همیشه به نیروی طبقه کارگر، آزادیخواه چنان جنبش رادیکالی به صحنه کشانده شود، که در اولین گام خود به حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی پایان دهد و به جای آن حکومت آزاد و برابر و پر از رفاه و سعادت برای مردم

محموظ است. آزادی بی قید و شرط سیاسی برقرار است. از زندان و شکنجه خبری نیست. حکم اعدام وجود نخواهد داشت و کسی اعدام نخواهد شد. زن و مرد کاملا برابرند. شادی و خوشی از زندگی تفکیکناپذیرند و امکان زندگی شاد و آزاد برای همه فراهم است. نسل جوان در رفاه و شادی پرورش مییابد و خلاقیتهای آن بکار می افتد. به اعتیاد و مواد مخدر و تن فروشی پایان داده میشود. حقوق کودکان تضمین شده است. کوتاه و در یک کلام به هر نوع ظلم و ستم طبقاتی، جنسی، و

سیاست و تاکتیک و پراتیک انقلابی پیشاپیش مبارزه مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی و ایجاد جمهوری سوسیالیستی میکوشد. جمهوری سوسیالیستی که ما برای برقراری آن میکوشیم، حکومتی آزاد و برابر و پر از رفاه و سعادت است. در جمهوری سوسیالیستی از فقر و بیکاری خبری نیست. زندگی هرکس تضمین است. دکتر و امکانات پزشکی و مدرسه و دانشگاه و مسکن مجانی همانند حق طبیعی هر شهروندی تضمین است. حرمت و کرامت هر فردی

بهمین در سال ۱۳۵۷ را بیاد داریم، که در غیاب آلترناتیو آزادیخواهانه و کمونیستی، به جای رژیم استثمارگر و استبدادی سلطنت، حاکمیت قرون وسطایی اسلامی سرکار آمد که ایران را به زندانی علیه مردم ایران تبدیل کرد. این بار این امکان بوجود آمده که اجازه ندهیم چنین سناریویی تکرار شود. این بار کمونیسم کارگری و حزب کمونیست کارگری با برنامه روشن و

پیام رحمان حسین زاده

بهمین در سال ۱۳۵۷ را بیاد داریم، که در غیاب آلترناتیو آزادیخواهانه و کمونیستی، به جای رژیم استثمارگر و استبدادی سلطنت، حاکمیت قرون وسطایی اسلامی سرکار آمد که ایران را به زندانی علیه مردم ایران تبدیل کرد.

این بار این امکان بوجود آمده که اجازه ندهیم چنین سناریویی تکرار شود. این بار کمونیسم کارگری و حزب کمونیست کارگری با برنامه روشن و

یعنی جمهوری سوسیالیستی ایجاد شود. در این مناسبت مردم آزادیخواه، کارگران، زنان، و جوانان را فرا میخوانم که حول سیاست و برنامه حزب کمونیست کارگری متحد شوند.

نوروزتان پیروز و هر روزتان نوروز

این پیام روز یکشنبه ۲۶ اسفند (۱۷ مارس) از بخش کردی رادیو انترناسیونال پخش شده است. □

رپرتاژ ۰۰۰

داشتند و بویژه در خیابان "خمینی" و میدان هه لو محل بیشترین تجمع مردم و جوانان بود. در همه جا آتش روشن شده بود و زن و مرد و جوانان به رقص و شادی پرداختند. در سقز بطور ویژه‌ای محل‌های زندگی مسئولین رژیم و ادارات با نیروهای نظامی حفاظت

میشد. مقامات رژیم و نیروهای انتظامی از قبل تذکر داده بودند، که مردم از برگزاری مراسم و اقدامات مربوط به چهارشنبه سوری و نوروز خودداری کنند. علیرغم آن مردم و جوانان مبارز واقعی نگذاشتند، ماشینهای نیروهای انتظامی در شهر گشت میزدند، اما جرات مقابله با مردم را نداشتند.

با وجود استقرار نیروی نظامی وسیع در سطح شهر، حضور وسیع مردم، بویژه در خیابان فخر رازی، پل هوایی، خیابان خمینی و شادی و پایکوبی نقشه رژیم را خنثی کرد.

صالح سرداری:

جلوه ای از نیروی عظیم مردم در تفرص به جمهوری اسلامی



آنچه را مردم شهر مریوان به مناسبت نوروز به نمایش گذاشتند ویژگیها و ظرفیتهایی را در خود داشت که باید برای ادامه مبارزه در جهت سرنوینی علیه جمهوری اسلامی از آنها سود جست.

اولین نکته خصلت توده ای و تعرضی بودن این مراسم ها و اعتراضات بود که همه مردم از زن و مرد پیر و جوان متحد و یکپارچه درهمه محلات شهر به مقابله یا مامورین رژیم پرداخته به آنها یورش برده و آنها را وادار به عقب نشینی کردند.

فاکتور دیگر درست تشخیص دادن تناسب قوا میان مردم و رژیم و انتخاب زمان مناسب

برای تعرض به رژیم بود. مبارزات یکپارچه اعتراضی دیروز عملا نشان داد که این تشخیص چه اندازه واقعی بود و سطح درایت سیاسی آنان چه اندازه ارتقا یافته است.

خصلت دیگر این اعتراضات ضد مذهبی بودن، و رادیکال بودن آن بود. مردم در این روز به توصیه های رژیم در مورد ماه محرم عزا داری و سیاه پوشی و... واقعی ننهادند و با برپا کردن جشن و شادی نشان دادند که برای هیچ وجهی از حکومت اسلام و قوانین ارتجاعی و پوسیده مذهبی تره خرد نمی کنند و هرگاه فرصت یابند آن ها را زیر پا له می سازند.

اگر در سال های قبل "شورای" اسلامی شهر و دوم خردادی ها با کمک ناسیونالیسم کرد برای کنترل و مهار کردن مراسم ها اقدام به برگزاری آن کرده، و مردم را "مدیون" خود دانسته و طوری وانمود می کردند که امکان فراهم کردن برگزاری مراسم های نوروزی را نه مبارزات خود مردم، بلکه آنها به وجود آورده اند، مراسم های اعتراضی

رادیکال و آزادیخواهانه امسال جایی برای عرض اندام آنها باقی نگذاشت. امسال برعکس مراسم دو سال قبل که از "قانون" گرایبی در مقابل "خشونت" طلبی دفاع می شد و گردانندگان کرد دوم خردادی، جدایی "خواهران" از "برادران" را مرتب به "چاودیره کان" یعنی انتظامات هشدار می دادند و می گفتند که اولین "قانون" در فلات ایران ۲۰۰۰ سال قبل توسط "ماد"ها که کرد بودند کشف و اجرا گردیده، است امسال اما رادیکالیسم مردم به خشم آمده، نشان داد که ارتجاع و کهنه پرستی را نمیتوان به خورد آنها داد. مردم در این روز تمام قوانین اسلامی و ارتجاعی را زیر پا گذاشته و همراه با مردان در کوچه و خیابان، و پشت بام ها به نیروهای سرکوبگر تعرض کردند. به مردم خسته نباشید میگویم و برایشان سلامت و سرفرازی آرزو دارم.

از ساعت ۴ عصر با در کردن ترقه و فشفسه مراسم چهارشنبه سوری در **سردشت** شروع شد. حوالی ساعت ۷ جمعیتی بالغ بر هزار نفر از جوانان و مردم شهر در خیابان کمربندی تجمع کرده و دست به تظاهرات زدند. در این تظاهرات شعارهای مرگ بر خاتمی و خامنه‌ای، زنده باد آزادی و آزادی زندانیان سیاسی، "توپ و تانگ و فشفسه"، خامنه‌ای کشته شه" سر داده شد. در مسیر، تظاهر کنندگان به پاسگاه شماره یک حفاظتی نیروهای انتظامی واقع در جاده کمربندی حمله کردند. شیشه‌های ساختمان پاسگاه شکسته شد و تعدادی از مامورین توسط مردم معترض کتک کاری شدند. در این وقایع تعدادی دستگیر شدند. نیروهای انتظامی برای متفرق کردن مردم به تیراندازی هوایی و استفاده از گاز اشک آور متوسل میشوند. تجمع اعتراضی مردم و کشمکش و جنگ و گریز جوانان با نیروهای انتظامی تا ساعت ۱۰ شب

۰۰۰ به یاد جانباختگان گردان شوان

گردان شوان نام آشنا و پر حماسه ای برای مردم کردستان است. اسم و خاطره گردان شوان با فداکاری، شجاعت، و دلسوزی برای مردم عجیب است. چهره های آشنا و دوست داشتنی بسیاری از زنان و مردانی که در یک جنگ نابرابر و در شرایط بسیار نامناسب جان باختند، چهره های بیاد ماندنی در تاریخ مبارزات مردم ایران هستند. از پیشمرگان گردان شوان که حاضر در صحنه در گیری بودند متأسفانه فقط دو نفرشان اکنون در کنار ما هستند. آنها با شجاعت و سرسختی تمام و با پشت سر گذاشتن موانع زیاد جان سالم بدر بردند که هر دوی آنها یعنی نسرین رمضانعلی و جلال برخوردار (کاکای فرج) امروز از کادرهای حزب کمونیست کارگری ایران هستند. پیشمرگان و کادرهای رهبری گردان شوان کمونیستهایی بودند که در تاریخ معینی از حیات

سیاسی حزب کمونیست ایران و کومه له در نبرد با جمهوری اسلامی جان باختند. اینها پیشمرگان سازمان کردستان حزب کمونیست ایران بودند. خود را کمونیست و فعال یک حزب کمونیستی میدانستند با رهبران نظری و سیاسی شناخته شده. گردان شوان ضربه خورد و این خود باز علتی شد در تعمق در شیوه فعالیت نیروی مسلح حزب کمونیست ایران، و همزمان بود با رشد هر چه بیشتر کمونیسم و نگرش و نقد کمونیستی در صفوف کومه له. بدنبال سالها نقد و درگیر شدن با گرایش ناسیونالیستی، عقب مانده و واپسگرا در صفوف کومه له، بسیاری از پیشمرگان و رهبران دوره مورد نظر و هم نسل جانباختگان گردان شوان بعد از دخالتهای فعال در این مبارزات عملی و نظری فعالیت خود را به گرایش کمونیسم کارگری به رهبری منصور حکمت گره زدند. اگر بحث وقایع نگاری صرف باشد، در آن مقطع گرایش ناسیونالیستی در کومه له کاملا منزوی شده و پس نشسته بود، و اگر بحث

سرقت مضحک احترام و محبتی است که نسبت به فعالین جانباخته گردان شوان وجود دارد. و این در حالی است که همه آن عزیزان عضو حزب کمونیست بودند و در راه آرمانهای انسانی کمونیسم جان باختند. حال آنکه جریان زحمتکشان علیه آن حزب و کمونیسم علم شده است و سردمداران آن به آن گذشته و هر جنبه مترقی آن نه فقط پشت کرده بلکه با شدت و حدت تمام برای جا باز کردن در صف ناسیونالیستهای کرد به خود و فعالیتهای آن موقع خود نیز تف انداخته اند.

پاسخ من و قطعا دیگر رفقای باز مانده از گردان شوان و هر انسان منصفی به این تقلاها اینست که جریان ناسیونالیستی مهتدی- ایلخانیزاده به این تاریخ تعلق ندارند زیرا که خود تویه نامه نوشته و به همه این گذشته ها لعنت و نفرین فرستادند. در عین حال و به طریق اولی بررسی تجربه گردان شوان، بررسی انتقادی تصمیم گیری غلط و به نوعی تاثیرات آوانتوریسم و ماجراجوئی های نظامی متاثر

از گرایش ناسیونالیستی است، که همان موقع نیز موجبات اختلاف نظر و انتقادات به این امر شد. در فرصت و موقعیت دیگر لازم و مناسب خواهد بود که این تجربه تلخ را هم بررسی کرد، و از آن درس گرفت.

نباید اجازه داد این عزیزان و آرمانهای انسانی و کمونیستی آنها را به حساب ناسیونالیسم و قومپرستی بگذارند. گردان شوان و دیگر عزیزان جانباخته این صف همگی در راه آرمانهای کمونیستی جان باختند.

امروز بعد از سالها که از این واقعه دردناک میگذرد جا دارد ضمن گرامیداشت آن عزیزان دوباره تاکید کنم که آنها اعضا و فعالین یک حزب کمونیستی بودند و در راه آرمانهای والای بشری برای رهای از این دنیای نابرابر و برای زندگی بهتر جانشان را فدا کردند. جانباختگان گردان شوان به کمونیسم تعلق داشتند. یاد همه این عزیزان را گرامی بداریم.



مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

بمباران شیمیایی حلبجه، مردم کردستان در جنبه ارتجاع منطقه

ایرج فرزند

روزهای ۵ شنبه و جمعه ۱۷ و ۱۸ مارس ۱۹۸۸، شهر حلبجه در کردستان عراق مورد حمله بمباران شیمیایی رژیم بعث عراق قرار گرفت. ۵ هزار نفر از ساکنین این شهر از کوچک و بزرگ و پیر

رپرتاژ...

ادامه پیدا کرد. همه مقرهای نیروهای انتظامی و پادگان شهر سردشت در آمادباش کامل بودند. روز سال نو به تظاهرات گسترده علیه جمهوری اسلامی تبدیل شد. مردم سردشت از ساعت ۸ صبح در خیابان کمربندی تجمع کردند و دست به تظاهرات زدند. طی این تظاهرات به مقامات رژیم و نیروهای انتظامی اخطار شد، که دستگیر شدگان روز قبل (چهارشنبه سوری) باید آزاد شوند. نیروهای رژیم به تظاهرات حمله کرده و با تعرض متقابل مردم روبرو میشوند. در این ماجرا سه دستگاه خودرو سپاه پاسداران سوخته شد و تعدادی از بسیجیان زخمی شدند. در نتیجه گاز اشک‌آور و تیراندازی هوایی تظاهرات پراکنده میشود و مردم در نقطه دیگری به نام "شیخسور" تظاهرات خود را ادامه دادند. در مسیر پیوستن به تظاهرات نیروهای رژیم تعدادی را دستگیر میکنند. تظاهرات و تجمع تا تاریکی غروب ادامه پیدا کرد و مردم اعلام کردند، تا آزادی دستگیر شدگان اخیر به اعتراض خود ادامه میدهند.

مه‌یاد: نیروهای رژیم در آماد باش کامل بودند. نیروی نظامی وسیعی از خوی، سلماس، ماکو، شاهیندژ و میاندوآب به مه‌یاد گسیل شدند. با وجود اینها مردم در تجمعات وسیع سال نو را جشن گرفته و این مناسبت به اعتراض علیه جمهوری اسلامی تبدیل شد. مردم در چهارراه آزادی، میدان حیوانات، منطقه شهرداری، و ملا جامی شادی و پایکوبی میکردند. در میدان حیوانات و ملا جامی مردم با نیروهای رژیم درگیر شده و آنها را کتک کاری کردند. یک خودرو نیروی نظامی حامل ۶ نفر که دستگیر شده بودند، با تعرض مردم روبرو شد، دستگیر شدگان آزاد شدند و ماشین را شکستند. در چند مورد دیگر مردم با چوب و پاره‌سنگ و ترقه به مامورین حمله کردند و

و جوان در لحظات کوتاهی به وضع فجیعی کشته شدند. این کارنامه ننگین و این برگهای سیاه تاریخ فاشیسم بعث را باید بارها و بارها در ذهن مردم زنده نگاه داشت.

یاد و خاطره هزاران پیر و جوان و کودک و دختر و پسری را که قربانی یکی از شنیع‌ترین و وحشیگرهای رژیم بعث شدند،

عبدالله دارابی:

مبارزه مردم وارد مرحله برگشت ناپذیری شده است.



من بمثابة یک کادر کمونیست کارگری طبعاً با تمام وجود احساس خوشحالی میکنم و هر لحظه خود را کنار آن مردمی می بینم که از هر فرصتی برای رسیدن به خواستهای بر حق خود، رژیم ۲۳ سال جنایت و کشتار را به مصاف طلبیده اند متهورانه در مقابل اش ایستاده اند. طی دو روز اخیر در رابطه با فرا رسیدن چهار شنبه سوری و نوروز، به دقت رویدادها را تعقیب کردم و متوجه شدم که جامعه ایران آستن یک تحول سریع و بنیادی است که هر مناسبتی بهانه و فرصتی برای ابراز وجود علنی مردم برای تعیین تکلیف با یکی از کثیف ترین رژیمهای جنایتکار تاریخ معاصر جهان است. چهارشنبه سوری نیز یکی از این مناسبت هاست. مردم از عزا و سیاه پوشی، از فقر و

گرامی میداریم و صمیمانه به بازماندگان، دوستان و خانواده این عزیزان تسلیت میکنیم.

رژیم جمهوری اسلامی مسبب دیگر این جنایت است، چرا که بمباران شیمیایی حلبجه درست در ادامه جنگ رژیم اسلامی و فاشیستهای بعثی اتفاق افتاد، نیروهای ارتش و سپاه پاسداران جمهوری اسلامی نقشه تصرف حلبجه را در دستور

فلاکت، از جداسازیها بین زن و مرد، از جنایت و کشتار و گرز چرخانیهای مزدوران رژیم اسلامی و کاسه‌لیسیهای جریانات سر سپرده کردایه تی خسته شده اند، و تصمیم گرفته اند نقطه پایانی بر مصائب خود بگذارند. من طی دو روز اخیر، بخاطر همسروشتی و همدلی با این مردم پیا خسته، احساس میکردم در همه نبرد ها و کشمکش های شان با مزدوران رژیم، سپیم و شریک هستم.

مردم واقعا از نقطه ضعف رژیم استفاده کردند و با اتحاد و همستگی، در برابر هشدار رژیم که روزهای محرم را باید از شادی و جشن و پایکوبی دور بود به خیابانها ریختند، و حقیقتاً این روزها را تبدیل به روز عزا و ماتم برای سران رژیم کردند. من فکر میکنم مبارزات مردم برای بزیر کشیدن اسلام از قدرت با چنین نمودهائی، وارد فاز برگشت ناپذیری شده است. این مردم را دیگر نمیتوان نه مرعوب کرد و نه حتی میشود با کمک و یاری انواع جریانات ناسیونالیستی، کردایتمی و دو خردادی فریب داد و به حالت انتظار کشاند. مردم برای رسیدن به یک زندگی سعادت‌مند، خوشبخت، برابر و آزاد و مرفه وارد مرحله نوینی شده‌اند.

مقامات رژیم، جوانان در خیابانها و کوچه های شهر به جشن و شادی پرداختند، ترقه در کردند و فرامین اسلامی را زیر پا نهاده و در کوچه ها آتش روشن کردند. جشن و شادیها تا ساعات نزدیک به نصف شب ادامه داشت.

پیرانشهر: از ساعت ۵ بعدازظهر جوانان و مردم به شادی پرداختند. تمام شهر ترقه بازی و شادی بود. در بلندیهای مشرف به شهر نیز آتش روشن کردند، و در نقاطی از شهر گروههایی

داشتند و بنا به ماهیت ضد مردمیشان در محاسبات خود سرنوشت این مردم و عواقب مصیبت بار دخالت جمهوری اسلامی در حلبجه، مطلقاً اهمیت نداشت و به همین دلیل بر نقشه خود و قربانی کردن ۵۰۰۰ انسان بی دفاع پای فشردند. سران دو رژیم فاشیستی بعث و جنایتکاران

از جوانان، علیه رژیم شعار دادند. نیروهای انتظامی که از قبل برای ممانعت مردم از شرکت در جشن و شادی تذکر داده بودند، در نقاط متعدد شهر و در همه خیابانها مستقر بودند و ناتوان از هرگونه عکس العملی، جشن و سرور مردم را نظاره کردند. جشن و شادی مردم تا ساعت ۹ شب ادامه داشت.

بر بلندیهای مشرف به شهر **پاوه** به نام "دره نیشه" آتش بزرگ روشن شد. جمعهایی از جوانان در بیرون شهر با شادی و رقص چهارشنبه سوری را برگزار کردند.

اشویه: مردم وسیعاً در خیابانها و اماکن عمومی تجمع کرده و به روال معمول با روشن کردن آتش و درکردن ترقه و فشفشه، جشن چهارشنبه سوری برپا کردند. در بلندیهای اطراف شهر آتشیهای بزرگی روشن بود. در چهار راه مرکزی شهر مردم به طرف ماشین نیروهای انتظامی ترقه و تخم مرغ پرتاب میکنند. جشن نوروز با روشن کردن آتش بر تپه‌ها و بلندیهای اطراف شهر شروع شد. نیروهای انتظامی با ماشین آتش نشانی، آنها را خاموش کردند. اما بسرعت مردم دوباره آتشیها را روشن کردند. تجمع اصلی مردم در چهار راه مرکزی شهر بود. در همه این تجمعات آتش بازی، شادی و پایکوبی از ساعت ۶ تا ۱۲ شب ادامه پیدا کرد. مامورین اوضاع را زیر نظر داشته و جرات دخالت نداشتند. برگزاری جشن و مراسم امسال در **کامیاران** وسیع و گسترده و به نسبت گذشته بی‌نظیر بود. مردم وسیعاً در خیابانها و محلات و کوچه‌ها بودند. در چهار راه اصلی شهر، خیابان دوازده متری، ششم بهمن و بهشتی شادی و جشن و پایکوبی و آتش بازی بود. بر تپه شیخ محمد آتش بزرگی روشن بود. نیروهای انتظامی در حالت آمادباش بوده و اما دخالت نکردند.

جمهوری اسلامی را باید بعنوان جنایتکاران جنگی و مسببین بمباران شیمیایی حلبجه به دادگاه سپرد.

اکنون و پس از ۱۴ سال از این جنایت و قتل عام فاشیستی، باندهای ناسیونالیست کردستان عراق برای "حلبجه شهید" اشک تمساح می‌ریزند! همینها بودند که سه سال بعد از "شهید" کردن حلبجه و در مقابل خشم و نفرت بشریت از آن جنایت هولناک، معمار و سازمانده این جنایت فجیع- صدام حسین - را در آشوب گرفتند و بر چهره او بوسه زدند.

راه سعادت و آزادی مردم کردستان عراق، گرد آمدن دور پرچم کمونیسم کارگری و مبارزه برای یک زندگی انسانی، و به دور از حاکمیت دولتهای ارتجاعی و یکتازیها و دیپلمات بازیها و بندبازیهای یک مشت سرعشیره و باندهای مافیائی ناسیونالیست کرد است. □

در لحظات آخر که نشریه آماده انتشار بود آقای **احمد مام محمدی** از سوئیس تماس گرفت و این خبر تکمیلی را در مورد مراسم چهارشنبه سوری شهر **مه‌یاد** به اطلاعمان رساند:

سه‌شنبه از ساعت ۴ بعد از ظهر مردم و جوانها وسیعاً به خیابان آمدند. مراسم چهارشنبه سوری را بر پا کردند. پرچمها و علمهای سیاه مربوط به محرم که در بعضی جاها نصب شده بود، پایین کشیده شد و سوزانده شدند. نیروهای تکاوران میاندوآب (کلاه قرمزها) را وارد میکنند. مردم با نیروهای رژیم درگیر شدند. در محله ملا جامی مزدوران محلی منگور مستقر بودند. به بانک سپه شعبه میدان استقلال حمله میشود. نیروهای رژیم از گاز اشک‌آور استفاده میکنند.

لیست کمکهای مالی به کمیته کردستان امریکا

- ۱- سعید مدانلو ۱۰۰۰ دلار
- ۲- نیما-ن ۵۰ یورو
- ۳- رضیه خورشیدی ۳۰ یورو
- ۴- مونا ۲۰۰۰ یورو
- ۵- رسول‌بناوند ۲۰۰۰۰ یورو
- ۶- محمد ساری ۵۰۰۰ دلار